طایفه پراکنده

لطفی، احمد

ایل سوره میری(سرخه مهری)از ایل‏های قدیمی‏اند که قرن‏ها پیش در مناطقی از استان ایلام تا محدوده‏ای از عراق می‏زیسته‏اند.اصل و نسب این طایفه‏ از 12 قرن پیش به شیعه روی آوردند و حب‏ علی و فرزندانش را در دل پروراندند.در روایات گوناگونی نقل شده است که بقایای‏ این ایل هنوز در قالب تیره‏های پراکنده در برخی از نقاط غرب کشور حیات دارند. یادآوری می‏شود که لرها چون دیگر ایرانیان با پذیرفتن اسلام بخشی از فرهنگ‏ باستانی نیاکان خود را که وابسته به کیش‏ زردشتی بود تغییر دادند.با این حال زبان‏ و بعضی از جنبه‏های فرهنگی قدیم را نگه‏داشتند.

آنچه در پی می‏آید مقاله‏ای است به قلم‏ احمد لطفی که وضعیت ایل سرخه مهری‏ را در درازنای تاریخ به اختصار مورد بررسی‏ قرار داده است.

ایل یا طایفه«سوره میری»(سرخه مهری) یکی از طوایف قدیمی ایران در غرب کشور است‏ که سرگذشتی عجیب با نقل و قول‏های فراوان‏ دارد.اگر بگوییم ایلی پراکنده با زیرمجموعه‏های‏ نامشخص است شاید چندان بیراهه نگفته باشیم.

زیرا این ایل قدیمی ریشه‏دار و پراکنده است که به‏ عللی سیاسی اجتماعی و فرهنگی برای بقاء خویش‏ در دسته‏های کوچک زیسته‏اند و در هر منطقه‏ (شهر-روستا-عشایر)حداقل سی و حداکثر صد خانواری زندگی روزمره خود را دنبال کرده‏اند. بعضی می‏گویند افرادی انقلابی بوده‏اند که در اثر اعتراض به طواغیت بخصوص در عصر والیان‏ پیشکوه و پشتکوه متواری شده‏اند.در هر صورت این‏ ایل در نهاوند(منطقه حمیدوند)کوهدشت(تنگه‏ سیآو( woaiS )لرستان(الشتر حواشی نورآباد) دره شهر اسلام آباد غرب گیلانغرب ایلام چمچمال‏ و حواشی کرمانشاه خانقین عراق زرباطیه علی‏ غربی و علی شرقی عراق و حتی از دوران کریمخان‏ زند جمعی از آنها در فسای شیراز و حواشی‏ خوزستان پراکنده هستند.

وجه تسمیه سرخه‏مهری:

1-سرخه مهری را از آن جهت سوره میری‏ (سوره مهری و سوره مهدی)گفته‏اند زیرا اولین‏ کسانی‏اند که به مذهب تشیع گرایش یافتند و گسترش تشیع علوی در غرب کشور از درویشگری‏ و دوستی اهل بیت چنان مردمی بوده است که در بین عوام و خواص شدت یافته‏اند.به طوری که تا امروز عده‏ای از دراویش بابا بزرگ سید ابراهیم بن‏ موسی کاظم(ع)هنوز گرزکل( ezrog elak ) بابا بزرگ را در منزل خویش نگهداری می‏کرده‏اند و مردم روستای سرخه‏مهری در دره شهر هم تا حدود پنجاه سال پیش نیز همین رسم را در نگهداری‏ گرز سفید رنگ که مظهری از هواداری آن امامزاده‏ بزرگ بوده است پاس داشته‏اند.

2-سرخه‏مهری را به این جهت سوره مهری‏ نامیده‏اند که جد این مردم از زرخریدان و غلامان و تابعان دوآتشه و سرسخت حضرت امامزاده سید ابراهیم بن موسی الکاظم مشهور به بابا بزرگ‏ بوده‏اند.مرقد مطهر این امامزاده که به پیر و مراد سوره مهری معروف است در روستای تشکن‏ ( nekhsaT )نورآباد لرستان واقع شده است و به قول راولینسون؛در شمال شرقی کوه باوالین‏ ( nilawaB )دره‏ای است که مقبره بابا بزرگ در آن‏ واقع است و آن را مقدس‏ترین نقطه لرستان‏ دانسته‏اند و سندی دیگر بر آمدن سید ابراهیم بن موسی کاظم به منطقه پشتکوه این است‏ که دراویش این طایفه اشعاری دارند و می‏گویند:

1.یا بابای بزرگ یا شای دالاهو

2.برام چیه جنگ زوربیته بازو

ترجمه:ای بابابزرگ(سید ابراهیم)ای پادشاه‏ کوه(منطقه)دالاهو[در ایلام‏]برادرم رفته برای‏ جنگ زور بده به بازویش

3.یا بابا بزرگ!بزرگ پیرل

4.برس و داد ژار و فقیرل

ترجمه:ای بابا بزرگ بزرگ پیرها و امامزاده‏ها به فریاد افراد فقیر و مسکین برس

5.یا بابای هنای یه دلیای نیله

6.مسلمان ژدس کافر ذلیله

ترجمه:یا بابا بزرگ!صدای مرا بشنو این‏ دریا و آب نیل است(که سپاه اسلام در حال جنگ‏ است)مسلمانها از دست کافرها ذلیل هستند (خودت آن‏ها را یاری بده).

7.پا بنه رکا و اسب سفیدت

و حرکت بکه له مأوای زیدت

ترجمه:پا را در رکاب اسب سفید قرار بده و حرکت کن از جایگاهی که زندگی می‏کنی.

8.برگ نورانی بکیش ای سر

موجز بنما تو چی موجز حیدر

ترجمه:لباس عبا و پرده نورانی و پر فضیلت‏ خویش را به سر بکش و(به میدان بشتاب)و معجزه‏ و کرامت بنما همانند معجزه و کرامت حیدر (حضرت علی)

9.یا بابای هنای سرکیش نشین

بزرگ هرودش ای دشمن بشین

ترجمه:ای بابا بزرگ!فریاد مرا بشنو ای کسی‏ که در تشکن(و کوهی که کشتی نوح در آن جای‏ گرفته است)نشسته‏ای و قرار داری!

ای بابا بزرگ!(ما از دست دشمنان ذلیل و اسلحه‏ای نداریم)تو با دست هم که شده بر دشمن‏ حمله ور شو(و حق ما را بگیر).

3-نقل قول پیرمردهای طایفه سرخه مهری‏ ساکن دره شهر:این طایفه که از نسل نوروز علی‏ سرخ مهری به حساب می‏آیند از اواخر قرن یازدهم‏ هـ.ق یا اوایل قرن دوازدهم هـ.ق بر اثر جور والیان یا اختلافی که در منطقه پشتکوه ایجاد شده‏ بود به منطقه سیمره آمدند آنها بر طبق اقوال گذشته‏ داستانی را نقل می‏کنند که سرخه مهری‏ها از نوادگان بهرام گور بود.در زمان سید ابراهیم بن‏ موسی کاظم یعنی در قرن دوم هـ ق پسر یک پیرزنی‏ در منطقه پشتکوه(جبل-یا زرین آباد)زندگی‏ می‏کرده است که سپاه عباسی او را به اسارت‏ می‏گیرند از آن جا که این مادر و پسر از مریدان سید ابراهیم بن موسی کاظم بوده‏اند؛پیرزن استغاثه به‏ امامزاده ابراهیم می‏آورد او نیز در منطقه پاچین‏ (ماژین یا ماجین)با اردوی سپاه عباسی به شکل و شمایل تاجران برخورد می‏کند و پسر این پیرزن را با زر سرخ می‏خرد از آن تاریخ به بعد به این‏ها سرخ‏ مهری می‏گویند که ما در این جا به ذکر دو قول بسنده‏ می‏کنیم:

الف)چون این پسر و نوادگانش از علویان دو آتشه و متعصب به حساب می‏آمده و بعدا اعقاب او از منتظران حضرت مهدی بوده‏اند آنها را سرخ‏ مهدی با معرب شده سرخ مهری نامیده‏اند.

ب)قول دیگر:چون مادرش مهری بوده است‏ گفته‏اند سرخه پسر مهری که این نیز قابل تامل است‏ ولی قول اولی صادق‏تر است.

بنابراین از همان زمان آن جوان و مادرش به آیین‏ تشیع مشرف می‏شوند و شدیدا به آل علی گرایش‏ پیدا می‏کنند.اینان آنچنان در علم تشیع و تعلیمات‏ سید ابراهیم غرق می‏شوند که گویا پا در جای پای‏ بزرگان گذاشته‏اند.

اشتیاق و علاقه‏مندی‏شان به آل علی(ع)آنان را به سرخ و آتشین در مهر علی(ع)معروف می‏گرداند و به زبان محلی چنین طایفه و ایلی که عشق فراوان‏ به آل علی(ع)دارند به سور مهر علی مشهورند.

به طور قطع و یقین می‏توان گفت که ایل یا طایفه‏ سرخ مهری حداقل یکهزار و دویست سال است‏ که شیعه‏اند و جزو اولین دراویش و هواداران آل‏ علی(ع)هستند.

آنچه از داستان ریش سفیدان سرخ مهری‏ برمی‏آید این است که این فرد و اقوامش توسط حضرت امامزاده سید ابراهیم(بابابزرگ)به آیین‏ تشیع مشرف شده‏اند و این طایفه یا ایل به خاطر آشنایی با تفکر شیعی در مقابل ستمگران ایستادگی‏ کرده‏اند و سپس پراکنده شده‏اند یا دست به‏ مهاجرت زده‏اند.

طبق گفتار جعفر خیتال نویسنده ایلامی و همچنین با توجه به کتاب«ایلام و تمدن دیرینه»به‏ قلم آقای ایرج افشار سیستانی حاکمان اواخر صفویه و اوایل زندیه نهایت ستم را بر ساکنان‏ پشتکوه ایلام روا می‏دارند و در دوران شاه وردیخان‏ دوم و پسرش اسماعیل خان والی نیز بعضی ایلات‏ و طوایف انقلابی متواری می‏شوند.یا آنچنان که‏ علی محمد ساکی در کتاب«جغرافیا و تاریخ‏ لرستان»نوشته است:«اسماعیل خان والی،مردی‏ بی‏باک-تندخو و شجاع بود در زمان او برخی از طایفه‏ها از این منطقه کوچ کردند از جمله طایفه‏ دلفان که در اثر بدرفتاری پسران او لرستان را ترک‏ گفتند و به چمچمال رفتند.»(ساکی ص 305)

4-اصل و نسب سرخه مهری‏ها:عده‏ای‏ می‏گویند؛«سوره میری»از هنوادگان«سری‏گری» از فرزندان بهرام گور ساسانی بوده‏اند و از آنجا که‏ اینها قبلا مهر و آناهیتا را پرستش می‏کرده‏اند به این‏ نام ملقب شده‏اند.بعضی هم گفته‏اند:جد بزرگ‏ این ایل سرخه(سوره)و نام مادرش مهری بوده‏ است.به این دلیل این مرد به نام مادرش مشهور شده است یعنی سوره‏ای(سرخه‏ای)که پسر مهری‏ است و در زبان محلی لکی«سوره(سرخ)کار مهری»یا در بین حسنوندها هنوز خیلی از افراد به‏ نام مادرانشان مشهور هستند.

5-بعضی نیز سرخه‏مهری‏ها را از نوادگان‏ سرخاب عیار یا از بنی عیار یا از حاکمان و بزرگان‏ آل حسنویه که قبل از اتابکان در منطقه پشتکوه دارای‏ قدرت بوده‏اند منتسب می‏دانند زیرا آل حسنویه و بنی عیار نیز از حاکمان شیعه در منطقه بوده‏اند.از طرفی هم به خاطر همین بزرگ زاده بودن آنها را در پشتکوه ایلام سایه میری یا سوره میری نامیده‏اند چون لقب میر در پشتکوه و بخصوص زرین آباد ایلام و مهران به منزله رئیس یا بزرگ است.

خیتال نیز در کتاب«اقوالی درباره ایلات و عشایر استان ایلام»نوشته است:تیره‏های اصلی یا (محور)در رأس آنها را،میر یا رئیس که برخی از عشایر می‏گویند در طایفه وجود داشته که بعدا به‏ توشمال تبدیل شده است.

جایگاه اصلی سرخه مهری‏ها

آنچه مسلم است جایگاه اصلی آنها در استان‏ ایلام شرق عراق و پشتکوه ایلام و حوالی استان‏های‏ خوزستان-کرمانشاه و همدان و لرستان بوده است‏ که در اثر ظلم‏های بعضی حکام محلی و از طرفی‏ نیز چون این(طایفه)یا ایل مردمی متهور و عدالتخواه بوده‏اند زیر بار زور نرفته و برای نجات‏ از خشم ظالمان در نقاط گوناگون به صورت‏ دستجات کوچک پراکنده شده‏اند.

برای تأیید این مطلب جعفر خیتال گفته است: سوره میری‏ها طایفه‏ای از سکنه بسیار قدیم در سرزمین پشتکوه ایلام‏اند که در گذشته‏ها از قدیم‏ در مناطق زرین آباد-ایلام تا حدود شهر زرباطیه عراق سکونت داشته‏اند ولی به مرور زمان منقرض‏ شده و(به صورت دستجات پراکنده)در ایلام و (دره شهر و کوهدشت لرستان-فساء شیراز نهاوند و حرصین و چمچمال و الشتر اسلام آباد غرب و کرمانشاه)زندگی می‏کنند.(\*)

علل انقراض ایل سوره میری:

گرچه لفظ انقراض صحیح نیست و لفظ پراکنده‏ مناسبت‏تر است اما آقای جعفر خیتال علل انقراض‏ ایل سوره میری را اینطور شرح می‏دهد:«احتمال‏ می‏رود علت انقراض این طایفه بسیار قدیم مانند ریزه‏وند همان مخالفت و عدم اطاعت از والی‏های‏ پشتکوه یا عدم پرداخت مالیات که منجر به‏ پراکندگی یا مهاجرت شده است باشد.چون مردم‏ زرین آباد معترفند تمام زمین‏های این منطقه متعلق‏ به طایفه سوره میری بوده که عده‏ای از مردم میمه‏ نیز از همین نسل است.(\*\*)

همچنین سر هنری راولینسون سرخامری‏ (سرخه مهری‏ها)را به نقل از میرزا بزرگ مباشر والی جزو طوایف وابسته هلیلانی آورده که در آن‏ زمان(1836 میلادی)دویست خانوار بوده و در اطراف کوه‏های هلیلان سکونت داشته و مبلغ‏ پانصد تومان مالیات سهم سرخه مهری‏ها (سرخامری)بوده است.البته این طوایف‏ (عثمانوند جلالوند داچیوند و بالاوند و سرخامری) در آن زمان جزو کرمانشاه بوده‏اند.پانصد سرباز پیاده نظام در خدمت حاکم آنجا داشته‏اند.ناگفته‏ نماند اگر بالاوند را هم که از نسل بهرام گور هستند جزو ایل پراکنده سرخه مهری به حساب آیند و به‏ جمعیت سرخه‏مهری‏ها اضافه کنیم در مجموع‏ سیصد خانوار بوده‏اند.

دیدگاه ید اله خان علوی درباره پراکندگی‏ سرخه‏مهری‏ها:

آنچه از ملاقات فروردین ماه سال 1371 شمسی اینجانب(نگارنده)با ید الله خان پسر غلامرضا خان پسر حسینقلی خان والی پشتکوه‏ برمی‏آید:اکثر زمین‏های سرخه مهری‏ها را جدم‏ نامبرده به نام حسن خان والی از بزرگان سرخه‏مهری‏ خریداری کرده و قواله آنها نیز موجود است.از طرفی نیز یکی از بزرگان سرخه مهری به نام نوروز که جد دو تیره یا دودمان‏[حسین و حسن‏]که در دره شهر و حواشی ایلام زندگی می‏کنند در سال‏ 1100 هـ.ق مقبره امامزاده ناصر الدین در زرین آباد دهلران تعمیر کرده است.وی(یداله خان علوی) می‏گوید:خودش سنگ نبشته‏ای مربوط به تعمیر این امامزاده توسط نوروز سرخه مهری را دیده و خوانده است.البته در سال 1372 ش برای زیارت‏ امامزاده ناصر الدین به زرین آباد رفتم به علت‏ بازسازی و نوسازی آن مکان مقدس نتوانستم آن‏ سنگ نبشته را پیدا کنم.ید الله خان والی درباره‏ پراکندگی طایفه سرخه مهری‏ می‏گفت:«سرخه مهری‏ها طایفه‏ای بزرگ در پشتکوه ایلام و لرستان بودند که نزاع خونین در بین‏ آنها پیش آمد و در اثر این اختلافات مهاجرت‏ کردند.

طوایف و تیره‏های وابسته به ایل سرخه‏مهری:

«ریزه‏وند»«عالیبنیگی»و«سوره‏میری»از قدیمی‏ترین ساکنان ایلام و پشتکوه بوده‏اند که‏ شواهد عینی و تاریخی حکایت از قدمت‏ سرخه‏مهری‏ها بر سایر طوایف دارد.تا آنجا که در یک سنگ نبشته در مسیر رودخانه چنگوله حواشی‏ مرز ایران و عراق آسیایی متعلق به شخص با فامیلی‏ ریزه‏بند(ریزه‏وند)بود و خود را متعلق به طایفه‏ سرخه مهری دانسته است.به طور خلاصه طوایف‏ و تیره‏های وابسته به ایل سرخه‏مهری عبارتند از:

1-طایفه ملخطاوی:این طایفه از طوایف قدیم‏ ساکن مهران محسوب می‏شود و تیره ناصر که‏ قدیمی‏ترین تیره ساکن مهران به حساب می‏آید از طایفه سرخه‏مهری است که در منطقه سکونت‏ داشته‏اند.

2-طایفه پنج ستونی:که شامل دو تیره پنج‏ ستونی و کلاه پهن است.بسیاری از ساکنان‏ روستاهای چالسرا مهدی آباد با نقلان هفت چشمه‏ فاطمیه از توابع ایلام و چماب لوزن از توابع بخش‏ صالح آباد از همین ایل قدیمی به حساب می‏آیند.

3-بسیاری از طوایف دهلران و مهران‏ بخصوص ملکشاهی و میمه‏ای و زرین آبادی‏های‏ غیر سید اکثرا از نسل ساسانیان-بهرام گور- بوده‏اند و سرخه‏مهری(سوره‏میری)هستند که‏ امروزه در قالب تیره‏های کاوری،میمه‏ای و باپیروند و...وجود دارند.برای تأیید چنان مطلبی به آثار باستانی پشتکوه بخصوص قلعه فرود قلعه ماشاب‏ ( bahsaM )و قلعه شهاق( hkahS )-بهرام و کنه‏ رود-کلات(در شمال غربی روستای حاضرمیل) و کلبه بهرام و کلا آثار دهلران و آبدانان و زرین آباد همه حکایت از قدمت منطقه می‏کند که ردپای‏ ساسانیان در آن به چشم می‏خورد.

دلیل دیگر ایرانی الاصل بودن چنان منطقه‏ای‏ است که در همان اوایل اسلام با وجود تبلیغات‏ بنی امیه و بنی عباس این مردم تیزهوش ایرانی‏ توانسته‏اند به تشیع که مولود طبیعی اسلام است‏ گرایش پیدا کنند و به حقانیت اهل بیت(ع)پی‏ ببرند.در حالی که خیلی از مردمان معاصر آنها در منطقه عرب و عجم از تشخیص چنان مهمی عاجز بوده‏اند.

4-از طایفه مه‏میه‏وند( haM haim dnaw ) تیره کاکاعلی از سرخه مهری‏اند

همچنین جماعتی از اکراد(احتمالا ساسانی) به خاطر شیعه بودن آنها و علاقه شدید به اهل بیت‏ معروف به کردعلی(کردلی)بوده‏اند.

5-طایفه قطبین از جمله تیره‏های قطب الدین‏ و خلیل بخصوص تیره فرعی«میا»( aiM )و اصل‏ تیره نوری(سند)نیز از طایفه سرخه مهری(سوره‏ میری)اند.

6-طایفه میمه و تیره‏های آن هواس و ملیک و آدینه و قوای(قرجه)از سرخه مهری‏هایند که لک میر و سایه میر و کاکعلی و برامسین همه از زیر مجموعه‏های این ایل به حساب می‏آیند.

7-طایفه بازگیر-تیره خربزانی که این تیره هم‏ شامل تخمه‏های قربانی،مهرابی و عیدی است و از بومی‏های قدیم منطقه‏اند که در گذشته جز طایفه‏ شهلاروند( dnavralhahS )بوده و در اصل از اعقاب طایفه(ایل)سرخه مهری هستند.

8-طوایف عالی بدره‏ای-طایفه مغیله(مغیره) و طایفه سنل(سنلی)و طایفه با طولی عده‏ای‏ گفته‏اند جزء طوایف گلال زیری( yerezlaleG ) و عده‏ای معتقدند در اصل از نسل سرخه‏مهری‏اند.

9-بسیاری از تیره‏های ملکشاهی و بومیان‏ قدیمی آن از نسل سوره میری‏ها هستند و شاید تا امروز نیز قرابت فامیلی بین آنها با طوایف منسوب‏ به سرخه مهری ریشه در همان نیای مشترک دارند. گرچه افراد مهاجر هم در بدنه ایل از اطراف یا نقاط دوردست آمده باشند.

10-جمعی از تیره‏های ملکشاهی از جمله‏ خیرشه و ساده میری و هنبانه بدوش و گلگه و جمعه‏ احتمالا از ایل سرخه‏مهری هستند.

11-اصل تیره شرف که از شوهان محسوب‏ می‏شود از تیره‏های قدیم مادر ملک‏اند از بومی‏های‏ منطقه به شمار می‏آیند و از نسل سوره میری‏ها هستند و بعضی معتقدند از نسل ساسانیان‏اند.

12-در چمچال کرمانشاه و(چال زورد)و محمود آباد اعقاب سرخه مهری هستند.

13-در روستای ورینه( haniraW )از منطقه‏ حمیدوند و در نهاوند فامیلی سوره مهری و شهرانی‏ و سور میلی که امروزه جمعی از آنها در خاک سفید تهران زندگی می‏کنند باز هم از ایل‏ سرخه‏مهری‏اند.

(\*)گرزکل:چوبی سفید به صورت گرز که سری پهن و گرد از جنس درخت بلوط زالزاک یا ارجن( nagrA )ساخته می‏شده‏ است.سرخه‏مهری‏ها برای این گرز سفید کرامتی مانند عصای‏ موسی قائلند زیرا این گرز در دست امامزاده مبدل به مار سفید یا افعی یا اژدها می‏شده است.

(\*\*)اصل طایفه بالاوندی‏ها در روستای دول گلاب بدره از توابع شهرستان دره شهر است.آنها گرچه جزو طایفه‏ هیندمینی به حساب آمده‏اند.ولی در اصل از تیره‏های قدیمی‏ و بومی منطقه و از اعقاب طوایف ساسانی در تنگه«دربند» هستند و بعضی معتقدند که از نسل بهرام گور و به احتمال‏ قوی دارای آیین زرتشتی بوده‏اند.

منابع:

1-«سفرنامه راولینسون»(از سرپل ذهاب تا خوزستان). ترجمه سکندر امان اللهی-صص 143 152.

2-«اقوال و روایات درباره ایلات و عشایر استان ایلام»جعفر خیتال-صص 154 157 158 182 207 256 257.